

ایجاد حس امنیت در مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست و بدسرپرست

راضیه آستانه

کارشناس ارشد معماری، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباد، فارس، ایران

چکیده

پرورش و حمایت از کودکان رسالتی است که از دیرباز بر آن تأکید فراوان شده است. در این میان تربیت و صیانت از کودکان بدسرپرست و بی سرپرست، مأموریتی است بس خطیرتر و حساس تر. این کودکان که به صورت موقت یا دائم از نعمت سرپرست محروم شده اند، ممکن است در خانواده های جایگزین یا در مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست پرورش یابند. در جهت رشد و شکوفایی این کودکان، تأمین نیازهای اصلی آنها، نقش اساسی را بر عهده دارد که در این میان می توان به حس امنیت و آرامش آنها اشاره کرد. در این مقاله سعی داریم ویژگی های معماری خانه هایی برای کودکان بی سرپرست که بزرگ ترین مشکل آنها فقر عاطفی و نداشتن خانواده است را بیان کنیم. خانه های که فضای آن حس حمایت و امنیت را برای این کودکان به وجود آورد و محیط خانواده را برایشان تداعی کند. متأسفانه این موضوع در کشور ما بسیار نادیده گرفته می شود و به کودکان بی سرپرست و محیط ها و فضاهای مورد نیاز آنها توجه خاصی صورت نمی گیرد. ما در این پژوهش شرایط محیطی مناسب در پاسخ گویی به نیازهای روحی و روانی این کودکان را مورد بررسی قرار می دهیم و در نتیجه مشاهده می کنیم که طراحی فضای اقامتی برای کودکان بی سرپرست و بدسرپرست که در آن احساس آسایش و امنیت وجود داشته باشد نه تنها موجب پیشرفت قابل توجه این کودکان در تعاملات اجتماعی و تحصیلی شده، بلکه این کودکان را که ناخواسته تبدیل به عضوی با پتانسیل های بالا برای قانون شکنی، آزار و اذیت قرار گرفته اند را به عضوی مفید برای جامعه تبدیل می کند.

واژگان کلیدی: کودک، بی سرپرست، بدسرپرست، احساس امنیت، اعتماد

۱- مقدمه

شکل گیری شخصیت کودکان از محیطی آغاز می شود که در آن آموزش می بینند و پرورش می یابند (بیات و بیات، ۱۳۹۵). کودکان شخصیت شکننده ای دارند و این مهم در مورد کودکان بی سرپرست از شدت بیشتری برخوردار است. این کودکان به صورت طبیعی از برخی از نیازهای مادی و معنوی خود محروم اند و باید توجه داشت که آنها آسیب های زیادی دیده اند. لذا چنانچه محیط زندگی شان مناسب و هماهنگ با روحیات شان نباشد، کودکانی با بیماری های جسمی و روانی خواهیم داشت (زائر کعبه و رف، ۱۳۹۴). بنابراین ضروری است محیط هایی در نظر گرفته شود که به صورت تخصصی برای کودکان طراحی شده و در طراحی آنها همه نیازهای روحی و جسمی کودکان به صورت کاملاً دقیق مطالعه و لحاظ شود. یکی از نیازهای اصلی انسان ها بعد از نیازهای فیزیولوژیکی، احساس امنیت است. امروزه ایجاد امنیت و احساس آن یکی از مهم ترین دغدغه های جوامع بشری است. کودکان با توجه به شرایط روحی و جسمی خاصی که دارند بیش از هر گروه سنی دیگر، نیازمند شرایط محیطی مناسب از نظر امنیت و آرامش می باشند (صالحی، ۱۳۸۷).

مشکلات موجود در مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست و بدسرپرست، ما را بر آن داشت تا در این مقاله به بیان آنها پرداخته و راه کارهای مبسوطی جهت رفع این مشکلات ارائه دهیم. در جامعه ما کودکان بی شماری هستند که ما روزانه از کنار آنها می گذریم که ناچارند کارهای سنگین و فراتر از توان خویش را انجام دهند. نکته مهمی که در این زمینه باید به آن اشاره کرد، این است که کودکان امروز، جامعه فردا را می سازند و حتی الامکان باید شرایط زیست آنها به گونه ای فراهم شود که خود را جزئی از جامعه بدانند نه فردی جدا و متفاوت از جامعه (دوشنه، ۱۳۹۵). از این رو، فضاهای مراکز نگهداری از کودکان بی سرپرست به عنوان بستری که همواره مورد استفاده این کودکان قرار می گیرد، در صورت دارا بودن احساس امنیت، علاوه بر آنکه آرامش را برای آنان به ارمغان می آورد، سطح تعاملات کودکان بی سرپرست را نیز افزایش و در نهایت احساس رضایت محیطی را در آنان تقویت می نماید (دشتی شفیعی و افشاری، ۱۳۹۴).

در این تحقیق ابتدا به تعریف واژگان کاربردی می پردازیم. سپس ویژگی ها و نیازهای کودکان بی سرپرست را مورد بررسی قرار خواهیم داد تا با ایجاد فضاهایی برای این افراد، که منفک از فضاهای زندگی مردم عادی نباشند، این کودکان در متن اجتماع قرار بگیرند و در ادامه به خلق فضایی که ارتباط کودکان بی سرپرست را با دنیای اطراف بیشتر کند و به ایجاد یک حس مشترک بین کودکان بی سرپرست و کودکان دارای خانواده منتهی شود، می پردازیم. در نهایت طراحی یک مرکز سکونتی مطلوب، ایده آل و متناسب با شرایط در نظر گرفته شده را بیان می نماییم و در قسمت آخر، مقاله را با ارائه نتیجه به پایان خواهیم برد.

۲- تعریف واژه ها

در این قسمت به تعریف واژگان کاربردی در مقاله می پردازیم:

- **کودک:** کودکی کسی است که سن او کمتر از ۱۸ سال باشد، مگر اینکه براساس قانون ملی قابل اعمال، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد.

- **کودک بی سرپرست:** به کودکی گفته می شود که بنا به دلایلی هیچ شخص حقیقی ای مسئولیت سرپرستی او را به طور دائم یا موقت به عهده ندارد.
- **کودک بدسرپرست:** به کودکی گفته می شود که از طرف مراجع ذیصلاح، عدم صلاحیت سرپرست وی تأیید شده باشد.
- **خانواده:** کلمه ای فارسی است که در کتب لغت به معنای اهل بیت و نزدیکان، اهل خانه، همسر و فرزند، دودمان، فامیل و خاندان آمده است. در این تحقیق منظور از خانواده، والدین و فرزندان به عنوان کوچکترین واحد اجتماع می باشد. بیان قانون اساسی ایران از خانواده چنین است: خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.
- **شبانه روزی:** به مکان بسته ای اطلاق می شود که مجموعه ای از فرزندان دور از خانواده در آن زندگی می کنند. به بیان دیگر شبانه روزی مکانی است دربرگیرنده مجموعه افرادی که به نحوی از عامل واسطه ای عاطفه الهی خود، یعنی والدین جدا مانده اند.
- **فرزند شبانه روزی:** به کودکی که به هر دلیل از کانون اصلی زندگی خود یعنی خانواده (بودن با والدین) جدا شده اند و در واحدهای شبانه روزی زندگی می کنند، فرزند شبانه روزی گفته می شود.
- **مراقبت و پرورش:** به مجموعه فعالیت های حرفه ای در زمینه صیانت از حقوق و کرامت و منافع کودکان و نوجوانان بی سرپرست و فراهم نمودن سلامت جسمی، اجتماعی، روانی و شرایط رشد و بالندگی معنوی، علمی و خودکفایی آنان گفته می شود.
- **پرونده شخصی کودک:** شامل اطلاعات جامع در خصوص پیشینه، وضعیت موجود، برنامه مراقبت، اسناد و مدارک مورد نیاز از قبیل گزارشات اولیه پذیرش، عکس، شناسنامه، خلاصه وضعیت سلامت جسم و روان، برگه های اجرای تست های هوش و استعداد و نتایج آزمایشات، فرم های استاندارد و گزارشات تخصصی کودک می باشد. این پرونده ها محرمانه است.
- **خوابگاه:** حکم اتاق خواب جمعی کودکان را دارد که در این اتاق که در واقع سالن بزرگی است، مطالعه، استراحت، غذاخوری و حتی پاره ای از بازی های کودکان انجام می گیرد.
- **مربی یا مادریار:** به فردی گفته می شود که نظارت، کنترل و مراقبت از تعدادی کودک را بر عهده دارد و به عبارتی مربی یا مادریار، نماینده تام الاختیار مدیریت شبانه روزی می باشد.
- **شیرخوارگاه:** به محلی گفته می شود که فرزندان پذیرش شده از سنین نوزادی تا پایان ۵ سالگی را نگهداری می کند و آنان را تحت تعلیم و تربیت قرار می دهد.

۳- اهمیت خانواده و اثرات فقدان آن

با توجه به مطالعات انجام شده مشخص می شود که نهاد خانواده نخستین و مهم ترین پایگاه اجتماعی شدن کودکان محسوب می شود. پدر و مادر و فرزندان و نحوه واکنش های هر یک به کنش های دیگری موجب اجتماعی شدن کودک می گردد. در واقع مهم ترین وظیفه خانواده، هم ساز و هماهنگ نمودن فرزندان با قوانین، ارزش ها و به طور کلی فرهنگ خانواده و جامعه است. نوزاد آدمی مادام که به حد بلوغ نرسیده، ناگزیر باید برایش زندگی را به صورتی که شایسته چنین موجود ممتازی است، محیا نمود. از آنجا که غرض از خلقت انسان، تحقق کمال در وی است، تعهد اداره زندگی مادی کودک و رفع احتیاجات اولیه وی اگر چه لازم است، اما کافی نیست. باید به کودک کمک کرد تا برای زندگی مبتنی بر استقلال اخلاقی که ارزش کلی حیات او بسته به کیفیت آن است، آمادگی پیدا کند. چرا که کارایی آدمی در دوره زندگی و تجلی انسانیش در زندگی اجتماعی، بستگی به این دارد که تا چه حد در کودکی و نوجوانی در پرتو تعلیم و تربیت صحیح قرار گرفته باشد. وقتی کودک احساس کند که مادرش از او دور است و کسی نیز نیست که جایش را بگیرد، آن زمان کودک اعتماد خودش را به محیط و افراد حاضر در اطراف خود از دست داده و این قضیه باعث می شود در شناخت دنیای خارج عاجز مانده و در برقراری ارتباط با دیگران دچار مشکل شود. در جدول شماره ۱ به بررسی برخی از مشکلات شخصیتی و اجتماعی کودکان بی سرپرست می پردازیم.

جدول شماره ۱: مشکلات کودکان بی سرپرست و پیامدهای ناشی از آن (قاصدی و همکاران، ۱۳۹۶)

مشکلات هویتی شخصیتی	
پیامدها	دلایل به وجود آورنده
عصیان گری، پرخاش گری و سرکشی	<ul style="list-style-type: none"> - بی اعتمادی به محیط و نحوه زندگی در پرورشگاه - بی علاقهگی به محیط زندگی و یکنواختی آن - تعداد زیاد بچه ها در شبانه روزی
عدم اعتماد به نفس	<ul style="list-style-type: none"> - نداشتن تکیه گاه قوی در زندگی
ترس و اضطراب	<ul style="list-style-type: none"> - دور بودن از محیط خانه و خانواده - احساس عدم امنیت در محیط پرورشگاه - کمبود محبت و وظیفه ای بودن کار مسئولین و مربیان
عدم اعتماد، استقلال و مسئولیت پذیری	<ul style="list-style-type: none"> - نبود معیارهای ثابت - تغییر دائمی محل زندگی - تغییر در کادر شبانه روزی

	- نداشتن حس مالکیت و مسئولیت نسبت به محیط و وسایل شخصی خویش - فقدان ایفای نقش و تقسیم کار در محیط پرورشگاهی
بحران هویت و شخصیت	- کمبود محیط گرم و صمیمی خانواده - عدم احساس تعلق خاطر به افراد و اشیاء پیرامون (به دلیل تغییرات مداوم) - نبود معیارهای ثابت تربیتی و آموزش (کمبود نقش والدین)
مشکلات اجتماعی	
پیامدها	دلایل به وجود آورنده
گریز از زندگی اجتماعی	- دوری از اجتماع و محدودیت در روابط اجتماعی
فقدان تجربه دوستی و تعاملات صحیح اجتماعی	- تعداد زیاد کودکان و نبود رابطه صحیح کلاسی میان افراد
ترس از محیط اجتماع	- کمبود روابط با خانواده و دوستان

تحقیقات نشان داده است که ۵ سال نخست رشد کودک یکی از حساس‌ترین دوران رشد است. کودکانی که در این دوره از کانون گرم خانواده دور بوده‌اند، غالباً در سن بلوغ دچار بحران‌های خاص روحی می‌شوند. شاید بتوان گفت که تنها شرط پیروزی و غلبه بر بحران‌ها و مسایل اولیه اجتماعی - روانی در خانواده بستگی به جلب اعتماد کودک در مراحل اولیه است. توفیق اساسی مادر در روابط مادر - فرزندی در همین نکته نهفته است. از جانب دیگر نیز آنچه که به این روابط معنا می‌بخشد، لزوم مناسبات عاطفی فرزند با پدر است. مطالعات نشان می‌دهد در جوامعی که بنیان خانواده متزلزل می‌گردد، عدم توانایی ایفای نقش از جانب کودکان، نه تنها رشد اجتماعی آنها را با خطر جدی روبرو می‌سازد، بلکه باعث می‌شود که در اجتماع نیز موفقیت درخور و شایسته‌ای برای آنها حاصل نگردد (احمدی و حسن مهدی، ۱۳۹۵).

۴- ضرورت وجود امنیت در محیط‌های فعالیت کودکان

همانند بسیاری از مفاهیم دیگر در حوزه علوم اجتماعی، امنیت نیز تعریف واحدی ندارد و می‌توان برای جنبه‌های مختلف عینی و ذهنی امنیت، تعاریف متفاوتی در نظر گرفت. براساس نظریه‌های مختلف اندیشمندان و متفکران در این زمینه می‌توان مفهوم امنیت را فراغت از تهدیدها و رهایی از تردید بیان کرد. امنیت کودکان شامل آنچه درون آنها وجود دارد و شامل حالات درونی‌شان است که

به شدت از روابط آنها با دیگران و محیط اطرافشان تأثیرپذیر می‌باشد. یکی از چالش‌های اصلی که امروزه در مدیریت شهری جوامع بشری مطرح می‌شود، ایمنی و ایجاد امنیت اجتماعی کودکان در محیط شهری است. گسترش احساس عدم امنیت یا بهتر بگوییم تشدید این رنج در بین کودکان باعث شده تا این موضوع از حساسیت ویژه‌ای برخوردار باشد. کودکان هر جامعه بیش از هر گروه دیگر در فضاهای خصوصی و عمومی شهر احساس ناامنی می‌کنند. پارک‌ها و زمین‌های بازی، فضاهایی هستند که کودکان اجازه پیدا می‌کنند بدون هیچ محدودیتی انرژی و استعداد‌های خود را در آنجا تخلیه کنند. رفتار کودکان به شدت تحت تأثیر محیطی است که در آن قرار می‌گیرند، از این رو ضروری است که این محیط‌ها بتوانند ارتباط مناسبی را با کودکان برقرار کنند و اعتماد آنها را نسبت به خود جلب کنند. محیط‌های بازی باید از هرگونه تهدیدهای اجتماعی، فیزیکی و روانی به دور باشند. کودکان باید از هر لحاظ خود را ایمن ببینند تا با خیال آسوده به بازی پردازند. هنگامی که محدودیت‌های فیزیکی و روانی توسط محیط به کودکان تحمیل شود، آنها احساس عدم استقلال و آزادی خواهند کرد و در نتیجه فرصتی برای کشف و پرورش توانایی‌های درونی آنها به وجود نخواهد آمد. بدون شک وقتی فرآیند بازی در محیط مورد اعتماد کودکان انجام پذیرد، به رشد شخصیتی و بالندگی آنها می‌انجامد. این اعتماد از طریق عوامل متعدد در محیط به کودکان القا می‌شود.

۴-۱- عوامل موثر بر ایجاد امنیت در محیط زندگی کودکان

طبق تعاریف موجود، امنیت دو بعد اصلی را در بر می‌گیرد. امنیت به معنای حفاظت در برابر خطر (بعد عینی) و احساس ایمنی و رهایی از تردید (بعد ذهنی) می‌باشد. بنابراین به این نتیجه خواهیم رسید که عوامل تأثیرگذار بر ابعاد مختلف امنیت در کودکان متفاوت خواهد بود. امنیت عینی کودکان در فضای بازی شامل همه موارد و امکاناتی خواهد شد که کودکان به هنگام بازی، به صورت فیزیکی با آنها در ارتباط هستند. همچنین امنیت ذهنی کودکان را می‌توان شامل احساس آرامش قلبی، حس صمیمیت با فضا و احساس ایمن بودن دانست که از طریق همه دریافت‌های ذهنی او از محیط اطرافش انجام می‌پذیرد. عوامل متعددی در ایجاد حس امنیت در کودکان تأثیرگذار می‌باشد که بخشی از آن را از طریق حواس پنج‌گانه، از محیط دریافت می‌کنند؛ کودکان همه چیز را با دقت می‌بینند و با لمس کردن و استشمام کردن سعی در شناخت دنیای خود دارند. وقتی کودکان برای اولین بار وارد فضایی می‌شوند، به دنبال علایم و نشانه‌هایی هستند که نسبت به آن محیط احساس تعلق پیدا کنند. دیدن محیط و علایم آشنا به کودکان احساس امنیت و آرامش می‌دهد (جعفری و رضاسلطانی، ۱۳۹۶). آنها از طریق دیگر حواس خود نیز سعی در برقراری ارتباط با محیط را دارند و با دریافت‌هایی که از طریق این حواس می‌گیرند در محیط احساس امنیت یا عدم امنیت می‌کنند. وجود صداهای مبهم و ناآشنا، دوراهی در مسیرهای ایجاد شده، علایم ناآشنا، حجم عظیمی از درختان و گیاهان در فضای بازی آنها باعث به وجود آمدن حس ناامنی در کودکان خواهد شد. آنها نیاز دارند احساس کنند که رابطه با دیگران برای آنها کاملاً مطمئن و بی‌خطر خواهد بود. همبازی‌ها در فضای بازی نقش موثری در ایجاد حس امنیت و اعتماد به نفس در کودکان ایفا می‌کنند. هنگامی که کودکان در فضایی قرار می‌گیرد که کاربران دیگر آن فضا نیز کودکان و همسالان خود او هستند، احساس آزادی عمل بیشتری خواهند کرد و در نتیجه بهره‌برداری لازم از فضا به عمل خواهد آمد. همچنین

کودکان از اینکه کاملاً در معرض دید باشند و حرکات و بازی های آنها از طرف افراد ناشناس و رهگذر نظاره گردد، بیم دارند. آنها معمولاً می خواهند فضاهای دنج و خلوتی را برای بازی های خود پیدا کنند تا در هنگام بازی احساس استقلال داشته باشند. با توجه به مطالعات در زمینه روانشناسی محیط و تأثیرپذیری اجتناب ناپذیر انسان از آن، اهمیت این موضوع روشن می شود. رفتار کودکان به شدت تحت تأثیر محیطی که در آن زندگی می کنند، قرار می گیرد. برای مثال کودکان در فضای تاریک و سرد احساس ناامنی خواهند کرد یا تابش شدید و مستقیم نور خورشید به آنها حسی از عدم آسایش خواهد داد.

۴-۲- ویژگی های کودکان ایمن

در این قسمت به مطالعه برخی از ویژگی های کودکان ایمن می پردازیم:

۴-۲-۱- **قدرت برقراری ارتباط با دیگران و اعتماد به آنها:** احساس اعتماد کافی برای برقراری روابط اجتماعی و یافتن راه حل در هنگام بروز مشکلات و تنش ها، مهم ترین مشخصه کودکانی است که احساس امنیت می کنند. کودکان از طریق قرار گرفتن در محیط های بازی که اولین محیط اجتماعی خارج از خانه است و هم بازی شدن با هم سن و سالان شان و انجام بازی های گروهی می توانند مهارت برقراری ارتباط را کسب نمایند.

۴-۲-۲- **توان در میان گذاشتن احساسات و خواسته ها:** توانایی نشان دادن احساسات و عواطف بدون استفاده از کلمات از مهم ترین روش ها برای برقراری ارتباط است. توان اظهار عواطف و پاسخ گویی به آنها با علائم عاطفی باید در خصوص تمام احساساتی که از جنبه های انسانی ما به شمار می روند، آموخته شود؛ از محبت و شادی گرفته تا قاطعیت، خشم، شکست، ترس و غیره. کودکان برخوردار از امنیت روانی قادر هستند گستره ای وسیع از عواطف انسانی را تجربه، ابراز و درک کنند. در محلهایی که برای بازی کودکان اختصاص می دهیم باید به کودکان اطمینان کامل دهیم که در این مکان هیچ محدودیتی برای ابراز احساسات و انجام حرکات فیزیکی آنها وجود ندارد.

۴-۲-۳- **توانایی حل مشکلات:** یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار امنیت بر شخصیت کودکان، توانایی حل مشکلات است. وقتی کودکان در خود مهارت حل مشکلات را ببینند، در مقابل کنش های دنیای بیرون احساس امنیت خواهند کرد. راه حل این است تا کودکان را یاری دهیم تا با اعتماد به نفس کامل و استواری در احساسات شان، وارد جامعه شوند و آن را با همه مشکلات و پیامدها پذیرا باشند. ماجراجویی و انجام بازی هایی با اهداف خاص می تواند کودکان را در این امر یاری دهد. این در واقع تمرینی است که کودکان از طریق بازی می توانند به توانایی حل مشکلات برسند. بدون تردید این هدف بدون در نظر گرفتن مکانی امن از نظر فیزیکی و روانی، به ماجراجویی و کشف حقیقت منجر نمی شود.

۴-۲-۴- **توانایی و تفکر و استدلال:** کودکانی که احساس امنیت می کنند، بیش از دیگران درباره دنیای اجتماعی و عاطفی خود می اندیشند و استدلال می کنند. البته این امر تا حد زیادی به روش برخورد والدین با کودکان بستگی دارد. اگر والدین در



برخورد با موضوعی سخت گیری نشان دهند، کودک از بحث کردن خودداری می کند، اما اگر والدین با کودک ارتباط خوبی داشته باشند و با علاقه به خواسته های آنها گوش دهند، به حال کودک مفید خواهد بود.

۵- ارتباطات اجتماعی و فقدان آن در پرورشگاه

اعضا خانواده به جهت این که روابط فامیلی و عشیره ای با سایر بستگان و آشنایان و حتی همسایگان و سایر افراد اجتماع دارند عمدتاً دارای شخصیت اجتماعی فعال و نرمال می باشند. آداب معاشرت را در این ارتباطات تجربه کرده و افراد مبادی آداب می شوند، به شکلی که می توانند با سایر افراد اجتماع ارتباط برقرار کرده و ابراز عقیده و وجود نمایند و چنانچه به عللی تنها شوند می توانند با اعتماد به نفس و بدون اتکا به دیگران، زندگی خود را اداره نمایند. در حالی که فرزندان شبانه روزی محکوم به زندگی در چهار دیواری بسته و فاقد رفت و آمدها (یا رفت و آمدهای خیلی محدود) هستند و در نتیجه نمی توان انتظار داشت که از یک شخصیت اجتماعی و نرمال برخوردار باشند و اکثراً افرادی ضعیف النفس، متکی به دیگران با گرایش و رفتار خاص و عاجز از حل مسایل و مشکلات ساده زندگی خودشان هستند (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۳).



۵-۱- وجود کنترل و نظارت لازم در خانواده و فقدان آن در پرورشگاه

در خانواده پدر و مادر کنترل و نظارت دقیقی بر فرزندان خود دارند و با مشاهده ضعف‌ها و معایب آنان با دلسوزی و تعهد نسبت به رفع آنها اقدام می‌کنند. در حالی که در شبانه‌روزی‌ها به علت تعویض نوبت کاری، کارکنان آن نظارت و کنترلی که شایسته است بر رفتار و گفتار فرزندان ندارند. در مورد مسائل عاطفی کودکان بی سرپرست، مسأله دیگری که وجود دارد، جدا سازی کودکانی است که با هم دارای رابطه خویشاوندی مثل برادری و خواهری هستند. مسلماً به دلیل اختلاف سنی یا اختلاف جنسیتی دو خواهر، دو برادر و یا یک خواهر و برادر را در دو مرکز به صورت جدا از هم نگهداری می‌کنند و رابطه عاطفی را که می‌تواند در میان آن دو شکل بگیرد و تا حد زیادی از بار مشکلات روانی شان بکاهد از میان می‌برد و پس از رسیدن به سن قانونی و ترخیص شدن از مراکز بهزیستی دیگر آن دو نفر هیچ‌چیزی نسبت به یکدیگر نخواهند داشت و نمی‌توانند با یکدیگر زندگی کنند. شاید بهتر باشد تا با کمی بازنگری در مورد این نوع از کودکان بی سرپرست بتوان از حداقل پیوندهای خانوادگی و عاطفی که در آنها وجود دارد استفاده نمود و کمی از بار مشکلات عاطفی این کودکان کاست.

۵-۲- راهکار مناسب اعمال شده از جانب بهزیستی

راهکارهای متفاوتی در جهت بهبود این مراکز ارائه شده است که در اینجا به بررسی مهم‌ترین آنها که از طرف سازمان بهزیستی عنوان گردیده است، می‌پردازیم:

۵-۲-۱ مسأله کوچک‌سازی

کوچک‌سازی فضاهای شبانه‌روزی موضوعی است که به تازگی به آن بها داده می‌شود. هدف اصلی آن کم کردن تعداد کودکان در فضاهای شبانه‌روزی است، در اغلب دارالایتم‌های کشور به آن عمل شده است. به عنوان مثال پرورشگاه پسرانه‌ای در کاشان که جمعیت کودکان تحت پوشش آن در گذشته به ۵۰ نفر می‌رسیده است، اکنون حدود ۱۵ نفر شده و حتی در مراکزی می‌بینیم که تعداد ۷ یا ۸ کودک در آنها نگهداری می‌شود. این موضوع از چند جهت تدبیر مناسبی در بهبود زندگی این عزیزان می‌باشد.

- اصولاً کم شدن تعداد انسان‌هایی که در یک مکان عمومی زندگی می‌کنند باعث کم شدن تنش‌های بین آنها می‌شود. در واقع این امر باعث می‌شود تا افرادی که در این مکان‌ها زندگی می‌کنند از حریم خصوصی بزرگتری برخوردار شوند و کمتر به حریم دیگران (به طور خواسته و یا ناخواسته) تجاوز نمایند.
- باعث بالا رفتن میزان کنترل اعضای مراقبت‌کننده از این کودکان می‌شود.
- کودکان دچار مسأله جمع‌زدگی نمی‌شوند.
- مورد دیگر این است که این امر باعث می‌شود تا روابط بین اعضای پرورشگاه (رابطه بین خود کودکان و رابطه کودکان با مربیان و مددکاران) نزدیک‌تر شود و در واقع محیطی به صورت شبه‌خانواده شکل می‌گیرد.

۵-۲-۲- برقراری ارتباط با خارج از پرورشگاه

با توجه به بررسی‌های انجام شده بهتر است که بچه‌ها بخشی از فعالیت‌های روزانه‌شان را خارج از فضای پرورشگاه انجام دهند تا بتوانند بیشتر با جامعه خود در ارتباط باشند و به اندازه درکشان آن را بشناسند، رفتن به مدرسه، پارک و سایر فعالیت‌ها و تفریحاتی که کودکان معمولی (منظور کودکانی که دارای سرپرست می‌باشند) در فضاهای شهری انجام می‌دهند، می‌تواند در دستورالعمل زندگی کودکان بی‌سرپرست قرار بگیرد، این موضوع می‌تواند به آنها درس‌های زیادی بدهد. مهمترین درس اینکه آنها انسان‌هایی منفک از جامعه خود نیستند، بلکه جزئی از آن هستند و صرفاً به دلیل نداشتن پدر یا مادر نمی‌توان آنها را جدا از جامعه فرض کرد، بلکه برعکس و چه بسا این حس را در آنها به وجود آورد که جامعه به حضور آنها نیاز دارد و آنها انسان‌های مفیدی در جامعه خواهند شد. نکته اینجا است که لزوم ارتباط کودک با جامعه باعث می‌شود تا معمار برای امکانات داخل پرورشگاه حد و حدودی را قائل شود. مثلاً وجود فضای سبز وسیع، استخر، آمفی‌تاتر و سایر امکانات پرهزینه لازم نیست. محدود نمودن امکانات پرهزینه در پرورشگاه‌ها به دو دلیل صورت می‌پذیرد. اولین و مهمترین دلیل آن همان مطالبی بود که در بالا به آنها اشاره شد. موضوع بعدی این است که ارگان حمایت از کودکان بی‌سرپرست بودجه ناچیزی برای رسیدن به اهداف خود دارد و همین امر باعث می‌شود تا در تمام زمینه‌ها از جمله ساخت و ساز، آموزش، رفاه و... برای این کودکان حداکثر صرفه‌جویی را انجام بدهند و اغلب باعث کاهش کیفیت اجرایی در زمینه‌های یاد شده می‌شوند. با توجه به مسأله کوچک‌سازی و همچنین کم کردن امکانات داخل پرورشگاه، هزینه ساخت یک شبانه‌روزی ۲۰ نفره با امکانات محدود، بسیار کمتر از مورد ۵۰ نفره آن با امکانات وسیع می‌باشد. این موضوع می‌تواند راهکاری مناسب در جهت فراهم آوردن شرایط زندگی مناسب برای کودکان بی‌سرپرست باشد.

۶- راه کارهای ایجاد حس امنیت در محیط

لازم است به هنگام طراحی برای فضای کودکان همه عواملی که می‌تواند بر احساس امنیت در کودکان تأثیرگذار باشند، مورد توجه و ارزیابی قرار گیرند تا بتوان راه کارهای معمارانه مناسبی برای طراحی این فضاها ارائه داد. از جمله عوامل می‌توان رنگ، علائم و نشانه‌ها، موسیقی، مصالح، کف، نظارت والدین و مربیان و فضای سبز را نام برد. بدون شک وجود گیاهان و درختان در محیط‌های بازی کودکان، موجب شادی و صمیمیت در فضا خواهد شد. می‌توان از رنگ و بوی گل‌های مختلف در قسمت‌های مختلف فضای بازی برای صمیمی‌تر جلوه دادن فضا استفاده کرد.

۶-۱- تأثیر رنگ بر کودکان و کاربرد آن در طراحی فضای متعلق به آنان

در عرصه زیباشناسی، به وجود آوردن چشم‌انداز و فضاهای مطلوب و پرجاذبه می‌تواند مانع دل‌تنگی و افسردگی در انسان گردد. در این رابطه استفاده از رنگ‌ها و رنگ‌آمیزی دل‌پذیر و ایجاد هماهنگی و نیز تباین به‌هنگام و سنجیده میان رنگ‌ها در فضاهای عمومی، بسیار چشم‌گیر بوده و احساسی از آرامش و شادی در بیننده پدید می‌آورد. روشن است که تأثیر یادشده در

کودکان، بیشتر بوده و از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. از سوی دیگر در مطالعات روان‌شناختی کودکان از طریق بررسی نقاشی‌های آنان، نتیجه‌گیری‌های ارزنده‌ای در رابطه با نحوه به کارگیری رنگ از سوی کودکان، پیوند میان گل‌ها و تخیلات آنها، جنبه‌های نمادین هر رنگ و ترکیب رنگ‌ها در نقاشی‌هایشان، به دست آمده است. این نتیجه‌گیری‌ها را می‌توان در طراحی فضاهای عمومی ویژه کودکان به کار بست. از این رو در این بخش از مطالعات موضوعی، در راستای شناخت فضاهای مورد نیاز کودکان، جایگاه رنگ‌ها را برای دلپذیرتر کردن فضاهای ویژه کودکان و گیرایی آنها، مشخص می‌سازیم. گرچه لذت حاصل از تماشای یک رنگ، تنها از طبیعت زیباشناس انسان ناشی می‌شود ولی به ندرت اتفاق می‌افتد که در برابر یک تابلو نقاشی نسبت به یک رنگ آن واکنش نشان داده شود، زیرا ارزش یک اثر هنری، بیشتر در هماهنگی و تباین سنجیده بین رنگ‌های مختلف به کار برده شده در آن می‌باشد. این با پدیده موسیقی شباهت دارد که از ترکیب مجموعه‌ای از صداهای گوناگون، آهنگی دل‌نواز یا گوش‌خراش، شنیده می‌شود. طراحان فضاهای ویژه کودکان نمی‌توانند در برابر نتیجه‌گیری‌های ارزنده و مهم در شناخت رنگ‌ها و تأثیر آنها بر کودکان بی‌تفاوت بمانند (قاسملویی و احدی، ۱۳۹۴).

۶-۲- ویژگی‌های فضاهای مورد نیاز این مجموعه‌ها

ساختمان اداری این مجموعه‌ها به هیچ وجه نباید القاکننده فضای اداری باشد. بلکه باید هم‌چون خانه‌ای باشد که مانند مادر برای مجموعه، عشق، عاطفه، مهر و حمایت و مانند پدر، صلابت و قدرت را به همراه آورد. ساختمان اداری مانند محافظ و خانواده، باید مجموعه مسکونی کودکان را در کانون گرم خود جای دهد. همچنین برای کودکان باید فضایی مشترک در نظر گرفته شود، چرا که آنها مانند خانواده بزرگی هستند که در سن‌های متفاوت مشتاق همدیگر را ملاقات کنند و این دیدار روزانه در فضای مشترک که در حقیقت می‌تواند حیاط مرکزی مجموعه باشد، صورت پذیرد. خانه‌های آنها در عین داشتن استقلال و حریم شخصی می‌تواند با هم ارتباط داشته باشد که این امر از طریق راه‌هایی که بین آنها تعریف شده، میسر می‌گردد. در کل فضاها باید به گونه‌ای باشند که حس خانه را القا کنند. در ضمن فضاهای خصوصی (فضای اقامت کودکان) و فضاهای عمومی (بخش اداری و خدمات‌رسانی) باید از هم جدا باشند. در نهایت زمانی که محیطی برای کودکان طراحی می‌شود، بهتر است شامل فضاهای زیر باشد: ۱- **فضاهای طبیعی:** فضاهایی مانند آب و درخت و موجودات زنده که اساسی‌ترین و مهم‌ترین فضاها برای کودکان را تشکیل می‌دهند. آنها تحت تأثیر تجربیات طبیعت می‌خواهند قوانین و الگوهای طبیعی را کشف کنند. ۲- **فضاهای باز:** فضاهای گسترده‌ای هستند که در کودکان می‌توانند به اندازه دل‌خواه بدونند که به نوعی می‌توان آن را فضای بازی نامید و باید به اندازه کافی بزرگ باشند. ۳- **فضاهای همگانی:** فضاهای ملاقاتی که برای فعالیت‌های مشترک کودکان با سنین مختلف در نظر گرفته می‌شود که شامل بازی‌های عملی، نواختن آلات موسیقی، مهمانی دادن و دورهمی می‌باشد. کودکانی که در ارتباط برقرار کردن مشکل دارند نیاز به امنیت و گرمای بصری دارند. برای برآوردن این نیازهای او باید اندازه فضاها و بازوها را محدود کرد. چنین کودکانی در یک فضای وسیع یا پراز جمعیت خود را گم می‌کنند و احساس خوبی ندارند. این بچه‌ها اغلب از مسافت‌های طولانی

و عبور از فضاهای خالی وحشت دارند. به همین دلیل باید از ابعاد بزرگ در فضا به خصوص از راهروهای بلند که می توانند پرسپکتیو ترسناکی داشته باشند، اجتناب کرد. همین طور عبور از داخل ساختمان به خارج، ورود یا خروج، ماندن یا رفتن، انتخاب های سختی هستند که یک معماری خوب می تواند اثرات ناراحت کننده آن را تخفیف بدهد و تغییر تدریجی از داخل و خارج را فراهم آورد، مثلاً استفاده از دیوار شیشه ای بین راهروها با فضای بیرون. در مورد نوجوانان نیز باید اصول و قواعد زیبایی شناسی را تا حد ممکن در نظر گرفت و اندیشه موج را در آنها رواج داد. فضا باید به گونه ای طراحی شود که القاکننده نوعی حرکت، جنبش، پرواز و زندگی باشد، از سکون و ماندگی و مرگ خبر ندهد و مخیله آنها را به اوج های جدید برساند. خصوصیات فوق باعث می شود تا به یک اصل مهم که عبارت است از هویت و نشان مندی اشاره کنیم. رعایت این اصل سبب می شود تا به پیروی از تجربه های شهرهای گذشته، گوشه و کنار هر یک از فضاهای شهری و به ویژه مجموعه های مسکونی از یکدیگر متفاوت گردد و در سایه همین تفاوت ها و نشانه ها هر فرد نسبت به محیط زندگی خود، احساس بهتری از تعلق و در نهایت هویت داشته باشد (حسینی نثار و قاسمی، ۱۳۹۱)

۶-۳- حس تعلق به مکان

حس تعلق به مکان را می توان به معنای خاص و متمایز بودن یک فضا برای فرد بیان نمود. مکان به عنوان یک کیفیت روان شناختی تأثیر به سزایی در امنیت روانی افراد دارد و باعث ارتقای هویت و ویژگی های شخصیتی انسان ها می شود. آنچه که باعث به وجود آمدن حس تعلق به مکان می شود، آگاهی فرد از علائم و نمادهای محیط و احساس مشترک و نزدیکی با مکان است. نتایج حاکی از آن است که حس تعلق به مکان به تعامل عاطفی فرد و هویت مکان اشاره دارد و در واقع حس دل بستگی به مکان، نقش مثبتی در زندگی بشر و مراقبت آن ها از مکان دارد. کمبود شایستگی های محیط منجر به فقدان مشارکت، شخصیت زدایی، ازدست دادن شایستگی های فردی و در نهایت عدم خود شکوفایی می گردد. بنابراین محیط هایی که کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در آنها رشد پیدا می کنند، لازم است هم از لحاظ کالبدی و هم از لحاظ اجتماعی شایستگی های لازم را دارا باشند و طراحان این محیط ها در جهت رفع مشکلات این کودکان کوشا باشند. از مهمترین عوامل در ایجاد حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری هستند. یکی از معانی حس تعلق که بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، دانستن آن به عنوان ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت های محیطی است که شخص یا گروه به صورت خود آگاه یا ناخود آگاه از یک مکان خاص ادراک می کنند. برقرار کردن ارتباط عاطفی بین کودکان بی سرپرست و بدسرپرست و مکان زندگی آنها، برای ایجاد حس تعلق از طریق طراحی داخلی مناسب و عملکردگرا و توجه به عوامل مربوطه مانند: نور، رنگ، تناسبات و ... باید از اهداف اصلی جوامع باشد تا از این طریق بخشی از مشکلات روان شناختی این کودکان رفع و امنیت روانی و آسایش آنها تأمین شود. استفاده از رنگ های مناسب، نور کافی و طبیعی، بهره گیری از گیاهان، مقیاس انسانی، چیدمان انعطاف پذیر، در نظر گرفتن فضاهای خصوصی و ... که از طریق طراحان داخلی متخصص میسر می شود، زمینه ایجاد حس تعلق و آسایش روانی را در این قشر از کودکان آسیب دیده به وجود می آورد (حق شناس، ۱۳۹۷).

۶-۴- طراحی داخلی و روان‌شناسی محیط

طراحی فضای داخلی مناسب بایستی در پی پیوند با احساسات و نیازهای این کودکان بوده و حس امنیت، آزادی، عزت نفس، اجتماع‌گرایی و تعلق به مکان زندگی را در آنان بوجود آورده و زمینه رشد جسمی و روانی کودکان را میسر کند. مسئولیت طراحان داخلی شامل وظایف متنوعی است، از جمله: سازماندهی فضا با توجه به عملکرد آن، حصول اطمینان از مطابق بودن طرح‌ها با طراحی ساختمان و مسائل ایمنی، و حتی طراحی مناسب در مورد اکوستیک و انتقال صدا. یک طراح داخلی همچنین مسئول انتخاب و چیدمان لوازم منزل و مبلمان، رنگ، نور و سایر موارد مرتبط نیز هست (احمدی و حسن مهدی، ۱۳۹۵) با توجه به مطالعات انجام شده در مراکز نگهداری می‌توان راه‌کارهای زیر را ارائه داد:

- ۱- اجتناب از ساختن خوابگاه‌ها و حالت‌های مؤسسه‌ای
- ۲- ایجاد اتاق‌های مجزا برای ۵-۶ کودک و حضور ۱ مادریار
- ۳- انتخاب سایت مراکز، در دل شهرها
- ۴- ایجاد ارتباط مجموعه با فضاهای بیرون برای کودکان
- ۵- ایجاد فضاهای مختلف در راستای برقراری تعاملات اجتماعی مانند زمین بازی، زمین ورزش، کلاس‌های آموزشی مختلف با امکان حضور افراد متفرقه
- ۶- بهره‌گیری از ورودی‌های دعوت‌کننده رنگارنگ و دارای تزئینات
- ۷- بهره‌گیری از فرم‌ها و اشیاء آشنا به خصوص برای کودکان کوچک‌تر
- ۸- بهره‌گیری از روشنایی و نور زیاد و طبیعی برای ایجاد انرژی مثبت و استفاده از رنگ‌های شاد و مناسب کودکان
- ۹- ایجاد فضاهای دنج جهت جذب کودکان و امنیت و آرامش آنها

۷- نتیجه‌گیری

طراحی فضایی که در آن کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست احساس امنیت و حس تعلق را تجربه کنند، سبب می‌شود که مقدار زیادی از آسیب‌هایی را که تجربه کرده‌اند بهبود یابد. نکته مهم این‌که، خلق چنین مکانی با این قابلیت میزان زیادی از استرس و ترس کودکان را از بین می‌برد و منجر به تمرکز بیشتر کودکان بر نقاط مثبت شخصیتی و استعداد‌های پنهان‌شان می‌شود. طراحی فضای اقامتی برای کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست که در آن احساس آسایش و امنیت داشته باشند موجب پیشرفت قابل توجه این کودکان در تعاملات اجتماعی و تحصیلی می‌شود. از طرفی این کودکان که ناخواسته ممکن است به عضوی با پتانسیل بالا برای قانون‌شکنی تبدیل شوند را به فردی مفید برای جامعه بدل کرده که به دنبال آن جامعه‌ای سالم‌تر با آینده‌ای رو به رشد و پیشرفت و فضای شهری با کیفیت‌های بصری مطلوب‌تر خواهیم داشت.

منابع :

- احمدی، همایون ، حسن مهدی، الهه ، ۱۳۹۵، خانه ای برای کودکان بی سرپرست (با رویکرد تأثیر فضا در تربیت کودکان) مجموعه مقالات سومین کنگره بین المللی افقهای جدید در معماری و شهرسازی
- بیات ، مهسا ، بیات ، مینا ، ۱۳۹۵ ، روانشناسی محیطی و بررسی تاثیر بازی بر آموزش و یادگیری کودکان ، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های مهندسی عمران و معماری ، شهرسازی و محیط زیست.
- پاکزاد، جهانشاه ، بزرگ، حمیده ، ۱۳۹۳، الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، انتشارات آرمانشهر
- جعفری، حدیث ، رضا سلطانی، منصوره، ۱۳۹۶، نقش حس مکان در مطلوبیت فضای اقامتی کودکان بی سرپرست، کنفرانس بین المللی عمران، معماری و شهرسازی معاصر، تهران
- حسینی نثار، مجید ، قاسمی، علی ، ۱۳۹۱ ، بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در کشور، چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری
- حق شناس، تارا ، ۱۳۹۷، اهمیت طراحی داخلی در مراکز نگهداری از کودکان بی سرپرست و بد سرپرست با هدف ارتقای حس تعلق به مکان، کنگره بین المللی علوم مهندسی و توسعه شهری پایدار، دانمارک - کپنهاگ
- دشتی شفیعی ، علی ، افشاری ، مهنوش ، ۱۳۹۴، طراحی خانه کودکان بی سرپرست ، اولین همایش علمی پژوهشی افق های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی ، معماری و شهرسازی ایران ، تهران
- دوشنه ، رویا ، ۱۳۹۵، طراحی مرکز نگهداری کودکان بی سرپرست با رویکرد روانشناسی محیط ، چهارمین کنفرانس علمی پژوهشی افق های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی معماری و شهرسازی ایران ، تهران
- زائرکعبه ، صبا ، رف رف ، شهرزاد ، ۱۳۹۴، تأثیر روانشناسی محیطی در مراکز نگهداری از کودکان بی سرپرست، اولین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، موسسه معماری و شهرسازی سفیران راه مهرای، دوره ۱
- صالحی ، اسماعیل ، ۱۳۸۷، ویژگی های محیطی فضاهای شهری امن ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری
- قاسملویی، ستاره ، احدی، پریسا ، ۱۳۹۴، تأثیر فرم ، ساختار و فضای سبز در ایجاد حس امنیت در طراحی فضای دوستدار کودک، کنفرانس بین المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط زیست، افق های آینده، نگاه به گذشته
- قاصدی، میترا ، طیبی، شروین ، قربانی نیا، انیسه ، ۱۳۹۶، بررسی شاخص های طراحی مرکز نگهداری کودکان بی سرپرست ۶ تا ۱۲ سال بر مبنای ارتقا توانمندی احساسی و رشد خلاقیت ذهنی، چهارمین کنفرانس ملی دستاوردهای اخیر در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی، تهران